

کودتای رضاخان*

شرح زیر ترجمه گزارش محرمانه سروان رنه برتراند (Roné Burtrand) وابسته نظامی دولت فرانسه در ایران به وزیر جنگ آن کشور است. این گزارش در ۱۵ نوامبر ۱۹۲۵ (۲۴ آبان ۱۳۰۴) تحریر و در تاریخ چهارم ژانویه ۱۹۲۶ (۱۴ دی ۱۳۰۴) به دفتر وزیر جنگ واصل گردیده و روز بعد به شماره ۰۰۲۱ مورخ ۱۹۲۶/۱/۵ ثبت شده و اینک در بخش ایران، در با بگانی وزارت جنگ فرانسه در پرونده شماره 7N327-IRAN مضبوط است.

پاریس، ع.آ.

در پی یک کودتای ناگهانی که عمده بر مبنای پول و یا ترس پی ریزی و فقط با زور ارتش عملی شده بود، بالاخره رضاخان در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ (نهم آبان ۱۳۰۴) به ریاست حکومت موقت ایران رسید. او با شدت و حرارت در صدد آن است که شخصاً به صورت پادشاه (که بیشتر «امپراطور» خواهد بود تا شاه) بر تخت سلطنتی که سلسله منحنی قاجار* را از آن بیرون رانده است، بنشیند.

در سوم نوامبر دولت بریتانیا و در چهارم نوامبر دولت روسیه و چند روز بعد دولتهای آلمان و ایتالیا و بلژیک و مصر و ممالک متحده امریکا و امروز نیز افغانستان و ترکیه او را به رسمیت شناخته اند. در زمینه سیاست خارجی اگر فرانسه نیز به دول مزبور بیوندد دیگر کم و کسری نخواهد داشت.

* مقصود نویسنده پی آمدهای کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و اقدامات رضا خان سردارنپه برای تشکیل مجلس مؤسسان در آذر ۱۳۰۴ است.

♦ نویسنده گزارش عبارت «dynastie decadente» (سلسله منحنی) را به کار برده است.

همان روز سوم نوامبر رضاخان متن فرمان انتخابات مجلس مؤسسان را منتشر ساخته و همه سازمانهای رسمی را برای انجام فوری و سریع آن انتخابات که نتیجه آن اعلام سلطنت سلسله پهلوی ست تجهیز کرده است.

قاعده این انتخابات توسط تدین، که گفته می شود گذشته از هفتاد و پنج هزار تومان رشوه یا انعامی که گرفته است، از مجموع هشتاد و هشت رأی نمایندگان با ۵۳ رأی موافق و ۲۴ رأی ممتنع او را به ریاست مجلس انتخاب کرده اند، برگزار خواهد شد و عموماً تصور می کنند که ظرف چهار پنج هفته آینده این موضوع عملی خواهد شد. در دو هفته گذشته یعنی از تاریخ تقدیم گزارش قبلی تاکنون، وقایع مهم همینها بود که به عرض رسید. چنین به نظر می رسد که برای درک وضعیت واقعی لازم است که نظر تحلیلی ای بر حوادث گذشته بیفکنیم.

رضاخان پس از آن که در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰) سید ضیاء الدین را از ایران بیرون کرد و دیکتاتوری نظامی خود را بر کشور حاکم ساخت و قدرتش روز افزون شد، در همان ایام به طور خصوصی اعلام کرده بود که روزی پادشاه ایران خواهد بود و از آن پس این جاه طلبی خارق العاده لحظه ای او را رها نکرده و همواره همه نیرویش صرف تحقق همین مقصود می شود. کینه شدید او نسبت به مذهب و روحانیت و معممین محافظه کار طرفدار سلسله قاجار او را به ارتکاب اشتباه بزرگی واداشت که در اوائل سال ۱۹۲۴ به فکر تأسیس جمهوری بیفتد و خود را نامزد ریاست آن کند. اما دولت شوروی گرچه طرفدار جمهوریت بود ولی به نامزدی رضاخان که شهرت زیادی به انگلوفیلی داشت نظر خوشی نداشت، و دولت انگلیس نیز با اشاعه افکار آزاد یخواهانه در کشوری که همه عوامل در آن محافظه کار است مخالفت کرد و این (عدم موفقیت در پیشبرد نقشه جمهوریت) نتیجه اشتباه رضاخان بود که نیروی نظامی خود را دیرتر از موقع به عرصه سیاست کشاند، اما پس از اعمال این دیکتاتوری نظامی همه حساب کار خود را کردند و بدون یک قطره خونریزی رضاخان به مقصود خود (ریاست دولت) رسید. مخالفان خواه ناخواه هم رنگ جماعت شدند و به او پیوستند و یا از صحنه سیاست کناره گرفتند. رضاخان برای وصول به مقصود دو عامل مساعد مناسب داشت: اول آن که احمد شاه به علت ضعف نفس و بزدلی و کم همتی، با همه دعوتهای جدی و مستمری که از او می شد، از بازگشت به ایران خودداری می کرد و لذا رضاخان با مستمسک کردن این موضوع توانست مخالفت خارجیان و اکثر ایرانیان را که از ادامه سلطنت احمد شاه نومید شده اند جلب کند و دیگر آن که با توقیفهای مکرر و متعددی که در این ماههای اخیر درباره مخالفان خود اعمال کرده است، ملت را به سکوت و

قبول وادارد، و از سوی دیگر نمایندگان مجلس را با تهدید و یا تطمیع مجبور به هواداری از خود ساخته است، روحانیت مخالف را نیز با پذیرفتن نظر «مدرس» در انصراف از فکر خطرناک جمهوریت و برقراری آن، خنثی کرده است، و دست آخر با پافشاری در اجرای مقصد بلند پروازانه خود و دادن وعده های مؤکد و کاملاً مشخص و دقیقی به انگلستان توانست حمایت قطعی و بیدریغ آن دولت و نیز بیطرفی شوروی را به دست آورد. ملت نیز که از سویی از مراجعت احمدشاه مأیوس شده و از طرفی تهدیدها و توقیفها و نمایش قدرت نظامی را می بیند، وقایع و تحولات را با اندوه و بی هیچ شور و شوق و یا نمرد و اعتراض و آشوبی پذیرفته و آنچه را که روی می دهد تقدیر الهی شمرده و بدان تسلیم شده است.

خلاصه آن که این تحولات علی رغم بی تفاوتی تقریباً عمومی ملتی که به سلسله قاجاریه - و نه شخص احمد شاه - دل بسته بودند به آسانی جا افتاده است و موفقیت کودتای رضاخان را تضمین کرده است و مشوق رضاخان برای تحقق دومین مرحله نقشه اش که اینک با احتیاط و دقت کاملی نگران آن است گردیده است.

فرانسه تاکنون این حکومت موقت را به رسمیت نشناخته است، با آن که دو سه هفته پیش رضاخان تهدید کرده بود که روابط خود را با دولت فرانسه قطع خواهد کرد، ولی اکنون به نظر می رسد که می بیند بهتر است فرانسه را به خود جلب کند و از این روی به طور غیر رسمی میان طرفین در کنار بخاریهای گرم مذاکراتی صورت می گیرد که با توجه به موقعیت و نظریات ما می تواند مزایای فراوانی را در آینده برای ما کسب کند.

رضاخان برای آن که دل ملت و روحانیان را به دست آورد و آنان را به خود جلب کند، در ضمن اعلامیه ای وعده هایی را که بدان عمل نخواهد کرد به مردم و خصوصاً به روحانیان می دهد و اعلام می کند که بهای نان کاهش خواهد یافت و مردم موظفند که مقررات شرعی و موازین مذهبی را دقیقاً رعایت کنند، به مجلسیان نیز که باید اعتمادشان را به او ابراز دارند در مورد احداث راه آهن و بهره برداری از ثروت های طبیعی و تعمیم آموزش و فرهنگ و بهداشت اطمینان می دهد و در عین حال از مواظبت دقیق بر تهیه و تدارک برنامه های مجلس مؤسسان غافل نمانده است. به ضمیمه یادداشتی را که مترجم سفارت تقدیم داشته است ملاحظه خواهید فرمود. آشپز مرا که بی خیال در خیابان قدم می زده است ناگهان توقیفش کرده و به اداره پلیس برده و او را مجبور کرده اند که به کاندیداهای دولت رأی دهد. زیرا نقش مجلس مؤسسان تنها آن نخواهد بود که رضاخان پهلوی را بر تخت سلطنت بنشاند بلکه علاوه بر آن باید در قانون اساسی نیز تجدید نظر کلی کند و مواد لازم را برای توسعه اختیارات رضاخان نه فقط به عنوان پادشاه بلکه برای آن که او به صورت پادشاه

همین حال رضاخان بیش از پیش خشتیبانی تا بدان جا خطرناک به نفا نسبی ای که اکنون ایران از آن برخو انگلستان نیز سخت مخاطره آمیز خوا آن سلطان مطلق العنان کشورش را در فرو خواهد برد.

آیا رضاخان تخت و تاجش را سلطنت جز تنفر و بی اعتنایی ملت رجال و سیاستمداران وطن پرستی ارتش هم که در سالهای اخیر از آن که بعضی از رؤسای آن را اعدام کرد چشم بر هم گذارد نسبت به او وفادار کمبود نیروهای ملی و سرخورد اوضاعی بدان مبتلا شده است موجب روی می دهد گردن نهند و ترس از شان را به ابراز مخالفت مؤثر و فعال ولی رضاخان مستبد آنگلو فیل قا ناگهانی به او، همین نیروهای مخا مخالفت خاموش آنان را به صورت ک پول نقش اساسی را داراست، و من است.

البته هنوز خیلی زود است که در است که وقایع گذشته و آینده نزد می ترسم هم برای ایران و هم برای ا خارجه انگلیس نتواند امتیازات فورو سنگین آینده جلوگیری کند.

همواره دشمنی آشکار خود را با انگلستان ابراز را تحت تعقیب قرار دهند و اجازه دهند که نیروی بازان هندی ست - در بوشهر، و نیم اسکادران سیر بررسی لرن در آینده نزدیک منتظر حصول ایران، که ثمره موافقت و همبستگی او با وقایع سال و راه آهن صحبت می شود. بحث بر سر جنگ است، از منابع بسیار مطمئن اطلاع یافته ام لات ارتش بر اساس طرح دیکسون است و در انگلیسی که به زحمت نام آن را چیز دیگری اند و دفتر وابستگی نظامی سفارت انگلیس نیز ت سرّی آن دفتر تنظیم سازمان ارتش است. تفاسیر گوناگونی از اوضاع ابراز می کنند، دولت رات دوستانه دلگرم ساخته است.

سها داده - و من خبر دقیقی از آن ندارم - دوباره نمی رسد، همکار روسی من به من نگفته است که ان آن را تدوین و تصویب خواهد کرد) از قانون ی شده و گذشت زمان آن را به خوبی جا انداخته می آید که یوری نف این نابه سامانی و بی ثباتی ست، خواه ناخواه پذیرفته است، گوا این که از ر تهران سانسور می شود - بعضیها توانسته اند رژیم استبدادی در ایران ندارند، این موضوع را ام نیز تأیید می کند، زیرا چیزهایی شنیده ام که جریان جمهوریخواه در مجلس مؤسسان به وجود بدان امید بست.

استبدادی قدم بر می داریم که به زودی رضاخان ، با تصویب مجلس مؤسسانی که فرماندهان نظامی واهد گذاشت. در این رژیم تمام وزنه های سیاسی حتی هیأت وزیران محو و بی اثر خواهند شد و در

د و یا تطمیع مجبور به هواداری از نظر «مدرس» در انصراف از فکر دست آخر با پافشاری در اجرای لُـمـشـخـص و دقیقـی به انگلستان وروری را به دست آورد. ملت نیز تهدیدها و توقیفها و نمایش قدرت سور و شوق و یا تمرد و اعتراض و رده و بدان تسلیم شده است.

أعمومی ملتی که به سلسله قاجاریه افتاده است و موفقیت کودتای تحقق دومین مرحله نقشه اش که

خته است، با آن که دوسه هفته تفرانسه قطع خواهد کرد، ولی به خود جلب کند و از این روی کراتی صورت می گیرد که با توجه نده برای ما کسب کند.

آورد و آنان را به خود جلب کند، رد به مردم و خصوصاً به روحانیان و مردم موظفند که مقررات شرعی که باید اعتمادشان را به او ابراز لمبیبی و تعمیم آموزش و فرهنگ و حق بر تهیه و تدارک برنامه های که مترجم سفارت تقدیم داشته خیابان قدم می زده است ناگهان ند که به کاندیداهای دولت رأی نماخان پهلوی را بر تخت سلطنت نظر کلی کند و مواد لازم را برای برای آن که او به صورت پادشاه

مستبد مطلق العنانی در آید بر آن بیفزاید. خطر بزرگ مردی مستبد و خودرأی است می خواهد فرمانروایی، چون ستاد ارتش او باشد زیرا می داند اگر چنین فرمانروایی اش به زمان کوتاهی محدود خواهد شد، چه بطرکبیرها موضوع سخن اند، در عصری که افکار آزاد متکی بر نظریات اجتماعیون (سوسیال دموکراتها) با، کمونیستی می بیند، فرمانروای ایران می باید از اطلاع اوضاع و احوال کشور و معرفت کافی از سیاست جها خوش قریحه و باسواد باشد، صفاتی که رضاخان فاق به دلالت اوضاع و احوال ما شاهد وقوع امر خارق العاده لندن و مسکو رویه مشابهی اتخاذ کرده اند، انگ مراحل متوالی و موفقیت آمیز صعودش، به عنوان فره مستبد و سپس رئیس الوزرا کمک کرد، اکنون چنین به طلبی وی در احراز مقام سلطنت مطلقه، برای او شروط و قبولانده است:

۱- اقدام بر کودتای آرامی که تا آن جا که ممکن بر قانون اساسی منطبق باشد.

۲- برقراری رژیمی مستبد که موجب شود تا تمام گیرد و دستش از هر جهت برای اجرای نظریات باز عامل اصلی مبارزه با «بولشویسم» اند راضی نگهدارد.

۳- نفوذ بریتانیا را نه تنها برای حفظ «امپ قدرت طلبیهای مسکو توسعه و تحکیم کند.

در گذشته چندین بار گزارش نتایج حاصله از داشته ام، کمی که به عقب برگردیم و ناکامی انگلیس کنیم، حالا می بینیم که انگلیس آن شکست را با شکنی و یوفایی نسبت به شیخ خزعل جبران کرده است مطمح نظرش بوده است دست یافته و هم به مزایای اسما ما کو و بجنورد و رؤسای ایل شاهسون که وابستگی شاد یکی پس از دیگری اعدام شده اند. البته فعلاً مسأله شی

همین حال رضاخان بیش از پیش خواستار پشتیبانی انگلیسها از خود خواهد شد و این پشتیبانی تا بدان جا خطرناک به نظر می آید که ممکن است روزی مایه محو استقلال نسبی ای که اکنون ایران از آن برخوردار است گردد. گویا این که چنان وضعیتی برای خود انگلستان نیز سخت مخاطره آمیز خواهد بود زیرا رضاخان بالاخره روزی خواهد مرد و مرگ آن سلطان مطلق العنان کشورش را در هرج و مرجی که نفع آن فقط عاید شوروی می گردد فرو خواهد برد.

آیا رضاخان تخت و تاجش را مدتی دراز ننگه خواهد داشت؟ او در دوران پیش از سلطنت جز تنفر و بی اعتنائی ملت و خشم و دل‌تنگی اکثریت طبقه روشنفکر و مخالفت رجال و سیاستمداران وطن پرستی که واقعاً مورد احترامند بهره و نصیبی نداشته است، ارتش هم که در سالهای اخیر از آن به صورت ابزاری سیاسی بسیار استفاده شده پس از آن که بعضی از رؤسای آن را اعدام کرده و ترس خود را در دلها انداخته است، پس از آن که او چشم بر هم گذارد نسبت به او وفادار نخواهد ماند.

کمبود نیروهای ملی و سرخوردگی و خستگی ای که طبقه روشنفکر از مشاهده چنین اوضاعی بدان مبتلا شده است موجب شده که این دو عامل اصلی مخالفت در برابر آنچه روی می دهد گردن نهند و ترس از شلاق نمی گذارد که آنان آن چنان تحرکی یابند که ایشان را به ابراز مخالفت مؤثر و فعالی وادارد.

ولی رضاخان مستبد آنگلو فیل قاعده روزی را خواهد دید که مسکو با حمله ای شدید و ناگهانی به او، همین نیروهای مخالفی را که اکنون بی تفاوت مانده اند نیرومند سازد و مخالفت خاموش آنان را به صورت کینه توزی فعال و پردامنه ای درآورد و در تحقق این امر پول نقش اساسی را داراست، و من چنین احساس می کنم که خطر عمده در آینده همین است.

البته هنوز خیلی زود است که درباره تحقق چنین رویدادی اظهار نظر کرد، ولی لازم است که وقایع گذشته و آینده نزدیک به دقت تحت بررسی قرار گیرد. با این همه می ترسم هم برای ایران و هم برای لندن - که سیاست نزدیک بینانه و کوتاه مدت وزارت خارجه انگلیس نتواند امتیازات فوری و غیر قابل انکاری برای آنها بار آورد و از خطرات سنگین آینده جلوگیری کند.